

رؤیای محال یک رئیس جمهور

رؤیای بزرگ و محال

رؤیای سیاسی احمدی نژاد ایجاد جبهه ای است متشکل از مسلمانان در همه جای سرزمینهای اسلامی علیه آمریکا و برداشتن اسرائیل از سر راه فلسطینیان. این رؤیا بازتاب حقارت ناشی از تسلط اعراب بر ایران به بهانه اسلام است و با روحیات یک ملت بزرگ و تاریخی چون ایرانیان می خواند. جز اینکه قرائت احمدی نژاد از تاریخ ایران ساده لوحانه و یکسویه است. ایرانیان اسلام را پذیرفتند و در آن هرچه خواستند دست بردند و به شیعه گری رسیدند. پس از آنکه شیعه بمدد حراست پادشاهان ایران از آن تبدیل به یک ابزار در سیاست شد کاربرد آن بعنوان یک سلاح توسعه طلبی و صدور آن به بهانه انقلاب اسلامی شدنی نیست زیرا سنتیان را همه جا به مقابله وا می دارد و چون نبض تسنن در ریاض شدت و در الزهرقه اهره بتأمل و فکرت می زند اجماع شیعیان و سنتیان به رهبری یکی از این دو قطب امری است محال. نه در گذشته تاریخی مثل دوره جنگ های صلیبی و نه در عصر نفت و قدرت سعودی و نه در موج ناسیونالیسم عربی بعد جنگ جهانی دوم هرگز رهبران سرزمینهای اسلامی پشت سر ایران قرار نگرفتند. اندک مدتی ایران بعهد شاه عقاب اوپک شد ولی اعراب بمرگ اوپک رضا دادند نه به سروری ایران. تشیع مشخصه ایران را اعراب می فهمند ولی پیش کسوتی ایران را در سرزمینهای اسلامی سنی و حنیفی، ملکی و سلفی و وهابی و مانند آن در تضادی است ماهوی با بود ملی قومی و حتی عقیدتی کشورهای اسلامی عرب. پس این رؤیای بزرگ تعلیق به محالست زیرا نه مبنای اقتصادی دارد و نه زمینه ای در برون مرزهای ایران برای پذیرفته شدن.

اینکه چرا رئیس جمهور ایران پای می فشارد بر تحقق این رؤیا ریشه در تعلیماتی دارد که در جوانی و شاید در مدارس اسلامی دریافت کرده است. و نیز می دانیم که مرشد و مولای سیاسی او آیت الله خمینی گرفتار همین تعصبات بود و نه تنها خود را از طریق تصاویر تمام قد خود بدست حزب الله در بیروت و دیگر کشورها می دید بلکه نجار پیروزیهای انقلاب چنان در دماغ او پیچید که روزی در مدرسه رفاه گفت: انشاءالله بزودی همه جهان مسلمان شود تا دیگر مسئله ای در میان نباشد. برای انقلابی چنان آسان آرزوئی چنین عجیب نیست. بی تردید رئیس جمهوری ایران غیر از معتقدات اسلامی شیعیوی خود ستون آرمانی دیگری هم در ذهن دارد و آن رد و طرد و محو اسرائیل و نفرت علیه غرب و جوامع یهود و هالوکاست است. او از این دو ستون ابزاری ساخته در ذهن خود تا متعصبان بالقوه و بالفعل اسلام سیاسی و باقیمانده فاشیسم جهانی را جلب کند. وقتی بیاد آریم که شیعیان ۱۰ تا حداکثر ۱۵ درصد جمعیت کل جهان اسلام اند و نیز بیاد آوریم شیعه ایرانی برای اول بار در خود ایران بحکومت رسیده است به این نتیجه می رسیم که این مذهب هنوز کار داخل ایران را سامان نداده تا قصد جهانگشائی کند.

مهارت یا شیطننت ذهنی آقای احمدی نژاد آنجاست که تشیع، به تبعیضات قومی و نفرت علیه آمریکای اشتباه کار را بهم جوش داده و آنرا در لفافه دانش و صنایع هسته ای ایران قاب کرده تا به طاق ذهن جوانان فقیر و بیکار ایران امروز بکوبد و از آن قدرتی کور و خشن بسازد که بمدد تبلیغات و رسانه ها دست نشاندۀ خود مردم را پشت سر کاخ مقوائی خود نگهدارد. آنچه در این میان سوخت مونور دهشتناک سیاسی ایشان است حس میهنی ایرانیان است که ظلم خود را به بهانه دشمن خارجی همیشه باور کرده اند.

اشتباه امریکا

کیست که اینک تصدیق نکند که حمله و اشغال عراق از سوی آمریکا اشتباه بود. این جنگ یکسویه با مطالعه کافی صورت نگرفت و خسران بسیار بار آورد. کشور عراق سه باره شد و شاید دولت کنونی محکوم به تحلیل رفتن شود.

آمریکا قبل سقوط دادن به صدام می دانست که بنیاد گرایی در خاور میانه نه تنها وجود دارد بلکه جای پای استواری بنام عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران یافته که گر چه رقیب اند ولی بودنشان خطرناک است. آمریکا این مهم را بنهاد و به ماجرای خرید اورانیوم و سلاح های رسماً مخرب روی کرد. پس سربوش صدام را برداشت و رقبای سیاسی شیعه و سنی و کرد و عرب را بجان هم انداخت. بدیهی است کردها که از فرهنگی دیگر بهره مند بودند بخودمختاری رسیدند ولی امروز خودمختاری آنها الگوی قابل تقلیدی برای شیعیان و سنیان و اعراب عراق نیست و در عراق امروز از برکت اشغال مؤتلفان و اعمال نفوذ ایران به بهانه حمایت از شیعیان و اعمال قدرت عربستان سعودی به بهانه حمایت از سنیان و ریزه کاریهای پنهانی بعضی ها کیست که سرخود مختاری نداشته باشد؟

اگر حکومت فعلی عراق انتخابی و به نوعی دموکراسی بومی عقیدتی مجهز است این مربوط می شود به دوره ای که شیعیان و سنیان عراق نه سازمان داشتند و نه مایگان و نه آموزشهای رزمی. اما از ۲۰۰۴ باینطرف ایران شیعیان را بسیج داد بمدد مقتدا صدر و عربستان سعودی هم سنیان را بسیج کرد بمدد شبکه مخفی بعضی ها و امداد سوری ها و وضع دیگرگونه شد. پس شیعیان و سنیان بجان هم افتادند و القاعده جای خوشی بمدد زرقاوی در هرج و مرج های عراق باز کرد. عربستان بارها به آمریکا ملامت کرد و اردن هم خود را در خطر دید. و چون شیعیان عراق اکثریت را بردند و آمریکا بر برتری آنها صحه نهاد وقت آن بود که آمریکا با ایران به مذاکره مستقیم نشیند. اینکار نشد. و آقای احمدی نژاد سریعاً در جوی خاص انتخابات خدشه داری را برد و سودانی در سر پخت که شاهد آنیم. محو اسرائیل از نقشه جهان، دست نهادن بر خمس، نفی هولوکاست، مجهز کردن حزب الله لبنان، اتحاد نظامی با سوریه مورد ظن سازمان عمل، سفر به اندونزی، کنفرانس اسلامی کوبا، دعوت چاوز و نزدیکی با سران ضد آمریکا در آمریکای لاتین اینها همه یک برنامه توسعه طلبانه ایست که اشتباهات آمریکا به آن دامن زده است.

عکس العمل اعراب مسلمان

بعضی سخنان یاران حمسی رئیس جمهوری ایران سرشتی در اخوان المسلمین دارد. از جمله خود تز برادری اسلامی که با تکیه به متن قرآن این فکر را تبلیغ می کند که وقتی برادر اسلامی تو فقیر است و تو

ثروتمندی نمی توانی او را شریک در نعم و ثروت خود نکنی. خالد مشعل و دیگران در حمس بارها گفته اند که چگونه فلسطینیان گرسنه می خوابند و امیرنشینان خلیج فارس در طلا غوطه خورند. ایران بهمین دلیل به حمس کمک علنی و مخفی کرده و می کند تا احمدی نژاد به مسلمانان بفهماند او از هر اخوانی اخوانی تر است. و هیچ بعید نیست که این مرد معتقد به آنچه می گوید و می کند نباشد. احمدی نژاد تربیتی خلقی و آموزشی میدانی دارد که سرمایه حب جاه وی است. او در افق وسیع رهبری پروازها دارد. آنها که عکسهای تمام قد او را در دورافتاده ترین روستاهای ایران دیده اند دریافته اند عکسهای مربع قدی خمینی و خامنه ای در برابر آن جلوه ای ندارند. در جزوه های تبلیغاتی وی در کمال سهارت تنظیم می شوند. احمدی نژاد ثرونی نمی جوید مگر برای هزینه های تبلیغاتی خود. امر خود را در رفیع ترین و دست نیافتی ترین افق سیاسی ترسیم می کند. این را رؤسای کشورهای عرب مسلمان دریافته اند. بهمین دلیل است که در عربستان سعودی و پاکستان تر اقتصادی برادری اسلامی وسیله سیاسیون و اشراف ثروتمند رد شد و آخرین صدا از حلقوم برگزارکنندگان کنفرانس انستیتوی سلطنتی روابط بین المللی برآمد. حضور بعضی ایرانیان ثروتمند سرشناس و پیام والا حضرت حسن بن طلال برادر ملک حسین مرحوم و همچنین وزیر دفاع و امور خارجه بریتانیا بعهد تاچر درین نشست به این معنی هست که شیعیان عرب میهن پرست تر از آنند که آلت فعل و مقاصد جمهوری اسلامی ایران شوند. والا حضرت حسن بن طلال در پیام خود آورده است که «مذهب را باید به مقامی فوق سیاست ارتقاء داد». این جمله کوتاه سرفصل سیاستی است که به مشام مردم خاورمیانه آشناست و اثرش برتر از لائسیته و حقوق بشر است. یعنی که طلال به مایه های اخلاقی مردم دست انداخته و از آن اهرمی برای تصحیح مدار فکر متعصبان کوردل ساخته است که هیچیک از اوپوزیسیون ها درین سالها نتوانستند جز آنچه استاد ازل دسک ایران بدهانشان می نهد حرفی داشته باشند. این عکس العمل های صحیح مردم بخرد کشورهای خاورمیانه اسلامی است که میتوان بذر امید در دلها بکارد.

ناراضیتی آیت الله ها در قم

گروه کثیری از روحانیون از سیاست های ساده لوحانه و خطرناک احمدی نژاد رئیس جمهور ناراضی اند. آنها برنامه های این مرد را ناموفق می دانند و یقین هم دارند که حتی سوریه البشراسد که متحد احمدی نژاد است وقتی که پای عمل در کار باشد جانب عربستان و مصر را خواهد گرفت و نه جانب ایران احمدی نژاد را. آیت الله یزدی به کرات ضعف برنامه های این رئیس جمهور رؤیا زده را خاطرنشان کرده است. بعد رفتن جعفری نخست وزیر سابق عراق این گروه از آیت الله های قم امید بسیار بر مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا بستند رفته رفته معلوم شد که احمدی نژاد با سخنرانیهایی که در خارج و داخل می کند و حرفهایی که درباره برادری اسلامی می زند در آرزوی رهبری همه جماعات اسلامی است بشرط آنکه همه در مخالفت با آمریکا چون او عمل کنند. این حضرات که نبض محافل دینی و سیاسی جهان اسلام را می شمارند بر گرایش و قدرتهای مربوط آگاهی بسیار دارند آقای خامنه ای را تحت فشار قراردادند که حضرت رئیس جمهوری احتمالاً به خبط دفاع و بی کفایتی دچار است و نه تنها در سخن واژه ها را سبک و سنگین نمی کند بلکه در عمل هم خشت ها را صحیحاً بر خشت ها نمی نهد و اگر جز این بود چرا در کنفرانس شانگهای چنان پرت افتد که در خلوت مورد عتاب هوچین تاتو قرارگیرد؟ درست بعد این واقعه بود

که رهبرخامنه ای عنان سیاست خارجی را به خرازی سپرد و شورائی را بر فراز وزارت خارجه نهاد مگر آب رفته بجوی آید. این اقدام موجب رضایت آیت الله های قم نشد ولی مهلتی ایجاد کرد تا اثرش بر احمدی نژاد ثابت شود و عجبا که ایشان باز همان مطالب خطرناک را بمناسبتی تکرار کردند. و اینک بیش از هر زمان سیاست خارجی احمدی نژاد اتحاد جبهه ستیان شده است. و مسلماً این جبهه سر آن ندارد که اسرائیل را بر سر حمله بحزب الله واقعاً و عمیقاً ملامت کند.

پاسخ های اسرائیل به ایران

اسرائیل ماهیاست که زخمی حملات لفظی ایران احمدی نژاد است. بیماری شارون به او مهلت اجراء به طرحهایی که آماده می داشت نداد. المرت جانشین وی سریعاً خود را در مقام یک مرد مصمم نهاد و طرحهای خود را طی سفرهایی به آگاهی اروپائیان و آمریکا نهاد. اساس این طرح برون رفتن از بسیاری از مناطق اشغالی و تثبیت مرزهای اسرائیل بود. ولی درباره ایران بی آنکه مستقیماً طرحی ارائه دهد موضوع را در موضع سیاسی حمس و حزب الله خلاصه کرد. حمس و حزب الله دو متحد ایران دو پایگاه نظامی تجاوز و یا نهی و نفی اسرائیل اند. کمک های ایران به حمس ظاهراً مالی و جنسی (مثلاً اتوبوس شهری و غیره) بود ولی اسرائیلی ها بر کمک های موشکی به حزب الله اطلاع یافتند. وقتی حزب الله ظرف چند هفته تا دو سه ماه ۱۲ تا ۱۳ هزار موشک با برد ۲۰ تا ۷۵ کیلومتری از ایران دریافت کند مصرف آن کجاست؟ از فرودگاه بیروت این کمک ها را وسیله صفار و شورا هم به دمشق می فرستند و هم در اختیار حزب الله می نهند. اگر امروز می بینیم که موشکهای ایرانی مواضع شمال اسرائیل را می زنند، اگر امروز می بینیم حمس و حزب الله همدستی می کنند در ربانیدن سربازان اسرائیلی علت آنست که از یک منبع الهام می گیرند و آن ایران است. و اگر نیز می بینیم که اسرائیل فرودگاه مورد استفاده حزب الله و سوریه و راه بیروت به دمشق را بمباران می کند علت آنست که اسرائیل دلایل کافی بر اسلحه رسانی های ایران به سوریه و حمس و حزب الله دارد. اسرائیل در طرح خود مذاکره را بعد ضربات تضعیف کننده می دارد. مذاکراتی در هفته گذشته بین سران حزب الله و مسئولان گروه های متنفذ لبنان در گرفت تا در این فصل توریستی که از لحاظ اقتصادی اهمیت بسیار برای دولت لبنان دارد محیط امنی برقرار باشد. ولی از دو روز قبل دیده شد که کسبه کرکره ها را می کشند پائین و خبر می دهند که حزب الله اعلان جنگ کرده است (گزارش Adrien-Jaulmes - فیگارو)

اسرائیلی ها از لبنان همیشه خواسته اند تا حزب الله را خلع سلاح کند. دولت نتوانست. میشل ائون (ژنرال) نخت وزیر سابق با حزب الله ائتلافی ناشیانه کرد. حزب الله قوی تر شد. بعدی که حزب الله رسماً طرفداری خود را از سوریه هم اعلان کرد. دست تهران در سوریه و لبنان و فلسطین دیده شد و اسرائیل وارد جنگ شد به بهانه سه سرباز گروگان گرفته شد. این بهانه تنها یک بهانه بود نه یک علت. طرفین در آستانه جنگ بودند.

آرنو دولانگرائز Arnaud De la Grange گزارشگر می نویسد حزب الله وسیله ایران به همه رقم سلاح مجهز است حتی به هواپیماهای شناساگر و شیخ نصرالله از برابری استراتژیک نظامی حرف می زند پس دولتی است در دولت در کشور لبنان. همان شیخ نصرالله می گوید که سازمان وی دارای ۱۲۰۰۰

موشک و نیز دارای شمار مهمی راکت کاتیوشا Katioucha می باشد. به قرار اطلاع Jame's Defense Weekly که مستندش محافل مطبع اسرائیلی اند حزب الله ذخائر مهمی از موشک های فجر ۳ و ۴ و ۵ دارد که از سوریه و ایران رسیده است و این موشک ها می توانند تا ۷۵ کیلومتری (حیفا) را هدف گیرند که ینک شاهد پرتاب آنها هستیم. اما اسرائیلی ها اهداف دقیق و مشخصی را دارند. نظامیان اسرائیلی معتقدند باید همزمان سوریه را هم زد چرا که سوریه هم بازوی تهران شده ولی المرت نخست وزیر فعلاً مایل نیست صدمه به رشد ۶ درصد اقتصاد اسرائیل بخورد. حزب اللهی ها معتقدند هر حمله نظامی اسرائیل به آنها را نیرومندتر کرده است، ولی این بار دست سوریه و تهران کمر بسته است. از آن زمان که حزب الله درب ورودی ایران به لبنان بود قدری دور شده ایم. آقای علی لاریجانی باور دارد که ایران در خاور نزدیک جای پای محکمی دارد. ایران در انتخاب خود اشتباهاتی دارد دولت لبنان و مردم پشت سر آن مایل نیستند تابع دمشق و تهران و شاهد حزب الله مسلح باشند. ایران مهره های خود را جلو نشانده است. حماس و حزب الله ممکن است غافلگیر تحولاتی شوند که دستپخت دول بزرگ خواهد بود.

جنگ پنهانی قدرت

بعد حمله اسرائیل به باند غزه رئیس جمهور ایران احمدی نژاد کنفرانس مرکب از وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق گفت: مسئله اصلی جهان مسلمان وجود نظام صهیونیست اسرائیل است. ابرقدرت ها باید به جنایات این رژیم غاصب پایان دهند به خشم روزافزون مردم مسلمان توجه باید کرد که انفجار عظیم ببار خواهد آورد که به آنسوی مرزهای منطقه ای سرایت می کنند و آنها را که امروز نمی خواهند بحران فلسطین را بفهمند و کور کورانه به اسرائیل کمک می کنند باید عواقب آنرا بپذیرند.

این سخن ها از یکسو متوجه رهبر خامنه ای است که با تأسیس شورائی خواست امور خارجه را از ید احمدی نژاد بیرون بدارد و به آیت الله های معترض تسکینی دهد. اما این سخنان صریحاً اعلان جنگ است. جنگی به رهبری فردی که می خواهد در وعده به مسلمانان در بسیج افراطی ها و در نفرت به غرب از بن لادن جلو زند. چه رهبر خامنه ای او را تأیید کند و چه نکند احمدی نژاد طرح خود را دنبال می کند. او به مسائل داخلی مملکت توجهی آنی دارد بقول خودش بدنبال حل مسائل جهانی است چنین رهبری تا انتهای راه می رود مشکل او نمره دوم بودن اوست در نظام جمهوری اسلامی که باو این امکان را نمی دهد تا حزب الله و حماس و شیعیان عربی سعودی و سوریه را تا دندان مسلح کند و اتحاد دوستی خود را با کاسترو و چاوز منتهی به محاصره ای مؤثر از سمت جنوب آمریکا شود. احمدی نژاد یک قمارباز بزرگ سیاسی است و نه غرب و نه اعراب مسلمان و نه اوپوزیسیون دست او را به تمامی نخوانده اند و تار و پود شخصیت او را لمس نکرده اند.

پیش دستی های غرب و تجربه اسرائیل

وقایع اخیر در غزه و جنوب لبنان تنها به ابتکار غرب صورت عمل نیافته است اسرائیل که بر دقایق خطر حرکات فاشیسم مذهبی در خاورمیانه آگاه است خواسته است با ضربه ای چند به اردوی خصم

دستهای دخالت نگر ایران احمدی نژاد را فلج کند و غرب را به پیشدستی در جنگی که احمدی نژاد وعده آنرا داده « در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق » دعوت کند. تجربه ای است که ترس را از غرب مشتت و متردد دور خواهد ساخت.